دیانت بهائی

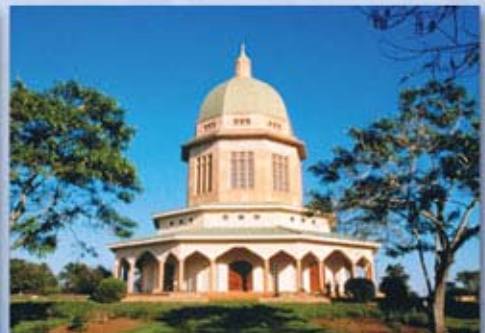

جمیع بشر –
یک دیانت واحد

دیانت بهائی یک دیانت جهانی است که هدفش اتّحاد همه نژادها و مردم در تحت یک آئین کلّی و یک دیانت واحد است.

بهائیان پیروان حضرت بهاءاللّه هستند که به اعتقاد آنان، آن حضرت موعود کلّ امم می باشند.

” و الّذی جعله اللّه الدّریاق الاعظم و السّبب الاتمّ لصحته هو اتّحاد من علی الارض علی امر واحد و شریعة واحدة ...“

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: آنچه که خداوند آن را به عنوان داروی اعظم (پادزهر) و وسیله اتمّ برای بهبودی عالم مقرّر فرموده اتّحاد اهل ارض بر امر واحد و شریعت واحده است.)

خدا، غیب منیع لایدرک

حضرت بهاءاللّه بما می آموزد که خداوند بذاته برای ما قابل شناسائی نیست. یعنی نباید تصاویری از او در ذهن خود به شکل یک بشر مجسّم نمائیم.

بطور کلّی هیچ آفریده ای نمی تواند آفریننده خود را بشناسد.

خداوند خالق همه چیز است و دلیل آفرینش ما به فرموده حضرت بهاءاللّه عشق و محبّت بوده است.

”یا ابن الانسان!

أحببت خلقک فخلقتک فاحببنی کی اذکرک و فی روح الحیاة اثبتک“

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای پسر انسان دوست داشتم خلق تو را پس خلق نمودم، مرا دوست بدار تا ذکر کنم تو را و در روح حیات ثابت بدارم.)

پیمان ابدی

عشق و محبّت الهی همواره زندگی و وجود ما را تحت تأثیر قرار می دهد. این عشق و حبّ از طریق عهد و میثاق الهی در وجود ما جاری می شود.

بر اساس همین پیمان ابدی، خداوند هرگز ما را تنها و بدون هدایت نمی گذارد. هر گاه که نوع بشر از او فاصله می گیرد و تعالیم او را فراموش می نماید، یک مظهر ظهور الهی ظاهر شده و اراده و مشیّت او را بر ما بندگان می شناساند.

تجلّی الهی

مظاهر ظهور الهی افراد برگزیده ای هستند که اراده و کلام خداوند را بر ما آشکار میسازند، از این رو وقتیکه ما از امر ایشان پیروی می کنیم به ندای الهی پاسخ میدهیم.

مظاهر ظهور الهی همانند آئینه های شفافی هستند که نور خداوند را با تمام عظمتش برای بشر منعکس میکنند. تمام این آئینه ها منعکس کنندهء یک نور هستند.

در حالیکه دسترسی به خداوند برای ما ممکن نیست، این وجودات مقدّسه بتدریج برای ما ظاهر میشوند، بین ما زندگی میکنند، ما را هدایت میکنند، و ما را سرشار از قوای لازمه برای پیشرفت مادّی و روحانی میسازند.

مصائب جامعه بشری

موعود این زمان

حضرت بهاءاللّه می فرمایند:

”امروز روز فضل اعظم و فیض اکبر است باید کلّ بکمال اتّحاد و اتّفاق در ظلّ سدرهء عنایت الهی ساکن و مستریح باشند و تمسّک نمایند به آنچه الیوم سبب عزّت و ارتفاع است از حقّ بطلبید تا جمیع را مؤیّد فرماید بر آنچه لدی العرش مقبولست“

هدف و مقصد دیانت بهائی وحدت و اتّحاد نوع بشر است

گرچه هر یک از ما دارای طبیعت جسمانی و معنوی متفاوتی هستیم، گرچه دارای استعدادهای گوناگون و شایستگی های مختلفی میباشیم، ولی همگی از یک اصل بوجود آمده ایم: همگی به یک خانوادهء بزرگ بشری تعلّق داریم.

نباید اجازه دهیم که تفاوتهای قیافهء ظاهری موجود بین ما، خلق ما، گذشتهء ما، افکار و عقاید ما سبب اختلاف و نزاع گردد. ما باید افراد مردم را از نژادهای گوناگون، مانند گلهای زیبای گلستان عالم بشری در نظر آوریم و از اینکه همگی به این گلستان الهی تعلّق داریم شادمان و مسرور باشیم.

وحدت نوع بشر

گرچه وحدت نوع بشر یک حقیقت غیر قابل انکار است ولی افراد انسانی بقدری از این حقیقت دورند که متّحد کردن آنها کار آسانی بنظر نمیرسد.

در صورتیکه میل داشته باشی به جامعهء بهائی بپیوندی شما هم در کوشش همه جانبه ما برای ساختن یک جامعهء متّحد و حفظ آن شرکت خواهی کرد.

بسیاری از آثار دیانت بهائی به ما می آموزد که چگونه در سبیل وحدت گام برداریم و چگونه دیگران را یاری کنیم تا آنان هم این طریق را بپیمایند.

طرح الهی برای وصول به وحدت

”حضرت بهاءاللّه دائرهء وحدت را ترسیم فرموده اند و طرحی برای وحدت مردمان و اجتماع ایشان در ظلّ سراپردهء وحدت ارائه نموده اند و این از عنایات الهی است. همهء ما باید با جان و دل بکوشیم تا حقیقت وحدت در بین ما جلوه نماید و هر چه بکوشیم، قوّت بیشتری نصیب ما خواهد شد.“

حضرت بهاءاللّه مظهر ظهور الهی

- حضرت بهاءاللّه در سال ۱۸۱۷ در طهران در پایتخت ایران متولّد شدند.
- از اوان طفولیّت آثار بزرگی از ایشان پدیدار بود.
- در منزل تعلیم مختصری دیدند ولی در هیچ مدرسه و مکتبی حضور نیافتند زیرا خداوند علم لدنّی را در ایشان به ودیعه گذاشته بودند.

زندگی حضرت بهاءاللّٰه

حضرت بهاءاللّٰه از خانوادهء اصیل و شریفی بودند. در جوانی مقام والائی در دربار شاه به ایشان پیشنهاد گردید ولی نپذیرفتند. ایشان مایل بودند اوقات خود را صرف کمک به ستمدیدگان، بیماران و مستمندان نمایند و از حقّ و عدالت دفاع کنند.

حضرت بهاءاللّه – مشقّات متحمّله و نفوذ ایشان

مشقّات حضرت بهاءاللّه از لحظه ای که برای اعلان امر الهی قیام نمودند آغاز گردید. زندگیشان مملو از تبعید، حبس و تحمّل آزار و اذیّت بود. آن حضرت در زیر سلاسل در دخمه ای تنگ و تاریک در طهران مسجون شدند.

SOUTHERN PART OF ṬIHRĀN WHERE CRIMINALS WERE HANGED AND WHERE MANY BAHĀ'Ī MARTYRDOMS TOOK PLACE (MARK X INDICATES SITE OF THE SÍYĀH-CHĀL)

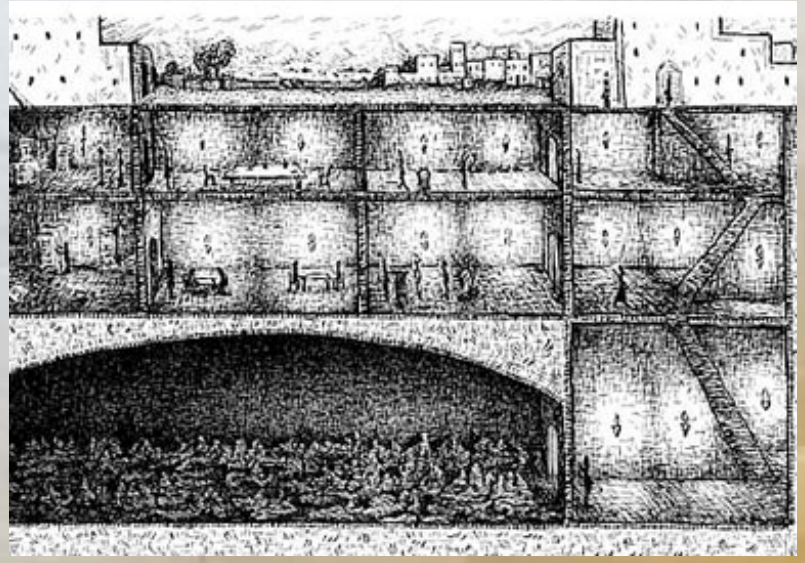

تبعید و مسجونیت حضرت بهاءاللّه

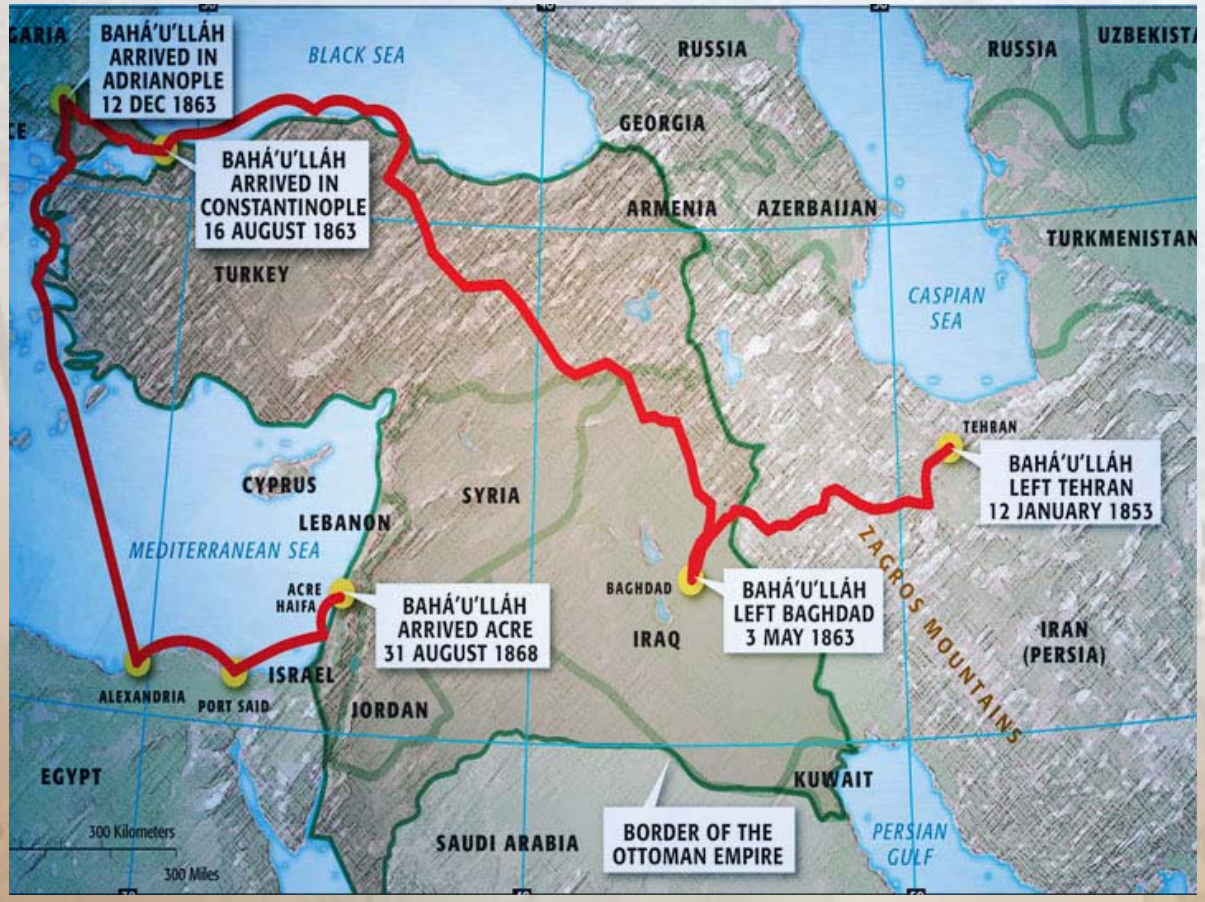

چهار بار ایشان را از سرزمینی به سرزمینی تبعید نمودند و سرانجام به زندان شهر عکا که تحت حکمفرمائی امپراطوری عثمانی بود فرستادند.

هیچ قدرتی قادر به جلوگیری از نفوذ حضرت بهاءاللّه و اشاعهء امرشان نبود.

سجن اعظم

ثم ذکّرایّامی فی ایّامک ثم کربتی و غربتی فی هذا السّجن البعید و کن مستقیماً فی حبّی بحیث لن یحوّل قلبک و لو تضرت بسیوف الاعداء و یمنعک کلّ من فی السّموات والارضین.“

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: روزهای زندگی مرا در روزهایت و مشقّاتی که بر من وارد گشته و غربتم را در این زندان دور به خاطر آور و در محبّت من مستقیم و ثابت باش، تا جائی که قلبت ادنی تحوّلی نپذیرد اگرچه با شمشیرهای اعداء مضروب گردی و تمام اهل عالم بر منعت قیام کنند.)

”قد قیّد جمال القدم لاطلاق العالم و حبس فی الحصن الاعظم لعتق العالمین و اختار لنفسه الاحزان لسرور من فی الاکوان هذا من رحمة ربّک الرّحمن الرّحیم. قد قبلنا الذّلة لعزّتکم و الشّدائد لرخائکم یا ملاء الموحّدین. انّ الذّی جاء لتعمیر العالم قد اسکنه المشرکون فی اخرب البلاد...“

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: جمال قدم حبس و زندان را در سجن اعظم برای آزادی عالم و عالمیان قبول فرموده و بفضل و رحمت خود حزن را بخاطر سرور جهانیان و ذلّت را برای عزّت مردمان و شدّت را برای راحتی موحّدان اختیار کرده است. و نیز میفرمایند که مشرکان کسی را که برای بازسازی عالم آمده در

خراب ترین شهرهای جهان مسکن دادند.)

بارقهء حقیقت

هر گونه مخالفت و کوششی از سوی دو دولت مقتدر زمان، سلطان ایران و امپراطور عثمانی، نسبت به حضرت بهاءاللّه و تعالیم آن حضرت به عمل آمد. امّا نور حقیقت به آسانی خاموش نمی گردد.

با وجود آزار و اذیّت مداوم، حضرت بهاءاللّه به مدّت بیش از چهل سال به نزول آیات الهی ادامه دادند و عشق و نیروی روحانی بر عموم جهان مبذول فرمودند.

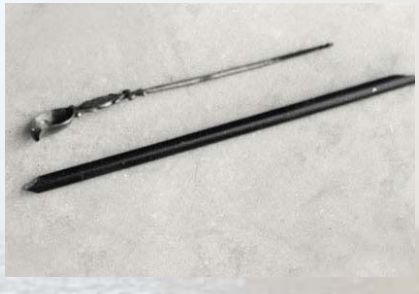

روضه مبارکه حضرت بهاءاللّه

حضرت بهاءاللّه در سال ۱۸۹۲ میلادی صعود فرمودند.
مرقدشان در نزدیکی شهر عکّا قرار دارد.

حضرت باب مبشّر ظهور حضرت بهاءاللّه

جمیع مظاهر الهی زندگی خود را جهت بهبود و رستگاری ابناء بشر فدا نمودند.

حضرت باب

چند سال پیش از اظهار امر حضرت بهاءاللّه، پروردگار پیامبری مخصوص برای بشارت بظهور ایشان ارسال فرمود. این رسول برجسته ملقّب به "حضرت باب" بود.

حضرت باب به مدّت شش سال مرتّباً به مردم تعلیم دادند که ظهور مظهر امر الهی جدید بسیار نزدیک است و راه را برای آمدن ایشان آماده نمودند.

ایشان به مردم فرمودند که شاهد سپیدهء عصر جدید، سپیدهء ظهور روز موعود خداوندی خواهند بود.

مشقّات متحمّله و نفوذ ایشان

هزاران هزار نفر از مردم پیام ملکوتی حضرت باب را پذیرفتند و از تعالیمش پیروی نمودند امّا دولت ایران و پیشوایان مقتدر دینی که بر تودهء مردم حکمرانی می کردند به مخالفت ایشان برخاستند.

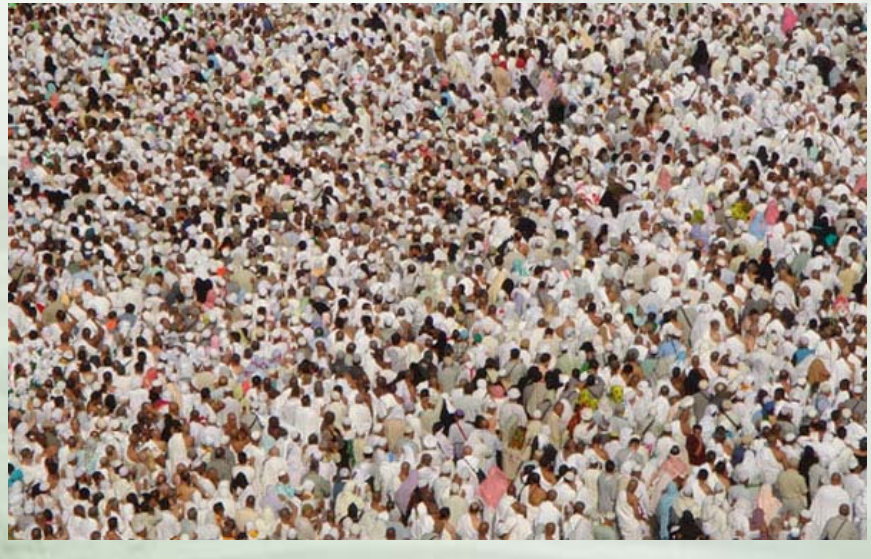

شهادت حضرت باب

THE BARRACK-SQUARE IN TABRÍZ, WHERE THE BÁB SUFFERED MARTYRDOM. PILLAR ON THE RIGHT MARKED X IS THE PLACE WHERE HE WAS SUSPENDED AND SHOT

پیروان آن حضرت مورد صدمه و آزار شدید قرار گرفتند و تعداد بیشماری از ایشان به قتل رسیدند.

نفس مقدّس حضرت باب هم در سنّ ۳۱ سالگی بوسیلهء سربازان ارتش بدستور دولت در حالی که در میدان عمومی شهر به ریسمان آویخته شده بودند تیرباران گردیدند.

دو مناجات از حضرت باب:

”هل من مفرج غیر اللّه قل سبحان اللّه هواللّه کل عباد له و کلّ بامره قائمون“

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: گشاینده ای جز خداوند وجود ندارد همه بندگان او هستند و به امر او برپا ایستاده اند.)

”قل اللّه یکفی کل شئی عن کل شئی و لایکفی عن اللّه ربّک من شئی لا فی السّموات و لا فی الارض و لا ما بینهما انّه کان علاماً کافیاً قدیرا“

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: تنها خداوند است که همه چیز را از همه چیز بی نیاز میسازد و هیچ چیز در عالم وجود موجود نیست که از خداوند بینیاز باشد.)

مرکز روحانی و اداری جهانی

حضرت عبدالبهاء – مرکز میثاق

محور اصلی زندگی ما بهائیان عهد و پیمانی است که با حضرت بهاءآللّه بسته ایم.

در همهء ادیان پس از صعود مظهر ظهور بین پیروان ایشان هزاران اختلاف بوجود آمد و در نتیجه دیانت را به فرقه های مختلف منشعب نمود.

حضرت بهاءاللّه دیانت خویش را با ایجاد قوّه عهد و میثاق در برابر چنین انشعاباتی محافظت فرمودند.

حضرت عبدالبهاء – مبیّن آیات و مثل اعلای تعالیم دیانت بهائی

حضرت بهاءاللّه قبل از صعودشان به روشنی و وضوح در وصیّت نامهء خود کتباً مرقوم فرمودند که بعد از ایشان تمام احبّاء باید به حضرت عبدالبهاء رجوع نمایند.

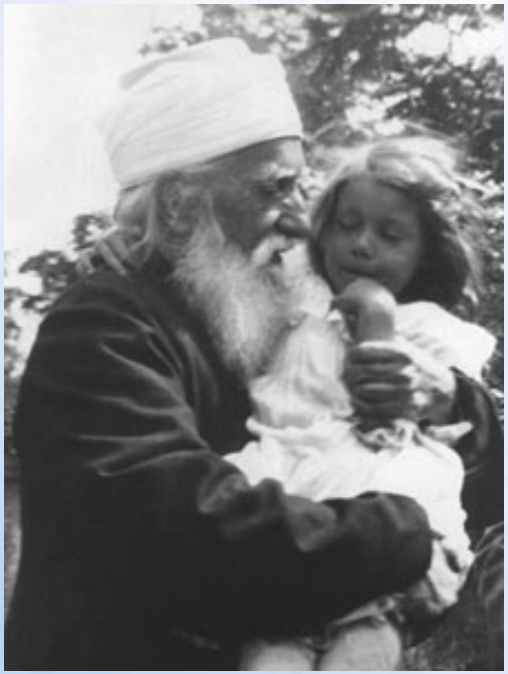

حضرت بهاءاللّه به نفسه آن حضرت را تربیت فرمودند و ایشان از همان کودکی مقام پدر بزرگوارشان را شناخته و شریک رنجهای ایشان بودند.

حضرت عبدالبهاء در این دنیای فانی ۷۷ سال زندگی کردند. ایشان در همان شب اظهار امر حضرت باب در سال ۱۸۴۴ متولّد گردیدند و در نوامبر سال ۱۹۲۱ صعود فرمودند.

جامعهء جهانی متّحد

پس از صعود پدر ارجمند مسئولیّت ادارهء جامعهء بهائی بر دوش ایشان افتاد و آن حضرت شب و روز همّشان انتشار امراللّه در شرق و غرب عالم بود.

با توجّه به حضرت عبدالبهاء به عهد و میثاقی که با حضرت بهاءاللّه بسته ایم ناظر خواهیم بود و اجازه نخواهیم داد وحدت پیروانش گسسته شود.

متّحداً بعنوان جامعهء جهانی کوشش خواهیم کرد تا وحدت عالم انسانی استقرار یابد.

شوقی افندی – ولیّ امراللّه

حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای خویش نوهء خود را بعنوان ولیّ امراللّه و مبیّن آیات الهی منصوب فرمودند.

به مدّت سی و شش سال وظائف پدربزرگشان را ادامه دادند. آیات مظهر ظهور را تبیین نمودند و امرش را در کمال استحکام در اکناف عالم مستقرّ ساختند.

بیت العدل اعظم

بهائیان دنیا بیت العدل اعظم الهی را، همانگونه که در کتاب مستطاب اقدس بوسیلهء حضرت بهاءاللّه تشریع شده و بوسیلهء حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امراللّه بخوبی تشریح گشته بود، انتخاب نمودند.

بیت العدل اعظم الهی مؤسّسهء عالی دیانت بهائی است که امروزه مرجع تمام بهائیان عالم است.

مظاهر ظهور احکامی را جهت هدایت نفوس به راه راست نازل می کنند

”انّ اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریّتی“

(مضمون: بدرستیکه اوامر من چراغهای عنایت منند بین بندگان و کلیدهای رحمت من برای آفریدگان من.)

”ان اعملوا حدودی حبّاً لجمالی“

(مضمون: احکام مرا به خاطر محبّت جمال من عمل کنید.)

دعا – غذای روح

”اشهد یا الهی بانّک خلقتنی لعرفانک و عبادتک اشهد فی هذا الحین بعجزی و قوّتک و ضعفی و اقتدارک و فقری و غنائک لا اله الا انت المهیمن القیّوم.“

(مضمون: ای خدای من گواهی می دهم که تو مرا برای شناسائی خودت خلق کردی در این هنگام من به عجز خود و قوّت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی نیازی تو گواهی میدهم. نیست خدائی جز تو که مهیمن و قیّوم هستی.)

منع از غیبت و افتراء

”ای رفیق عرشی!

بد مشنو و بد مبین و خود را ذلیل مکن و عویل برمیار. بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید و ذلّت نفسی مپسند تا ذلّت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدّس و خاطر منزّه در ایّام عمر خود که اقلّ از آنی محسوب است فارغ باش تا بفراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقرّ یابی.“

منع شرب مشروبات الکلی و استعمال موادّ مخدّر

”یا ابن الرّوح خلقتک غنیاً کیف تفتقر و صنعتک عزیزاً بم تستذل و من جوهر العلم اظهرتک لم تستعلم عن دونی و من طین الحبّ عجنتک کیف تشتغل بغیری فارجع البصر الیک لتجدنی فیک قائماً قادراً مقتدراً قیّوماً.“

(مضمون: ای پسر روح تو را بی نیاز آفریدم، چگونه است که خود را محتاج می نمائی، تو را عزیز آفریدم به چه سبب طلب ذلّت می کنی، تو را جوهر علم ظاهر ساختم چرا از غیر من طلب علم می نمائی، تو را از خاک محبّت سرشتم چگونه خود را به غیر من مشغول می سازی، پس چشم را بگشای و خود را بنگر تا مرا در وجود خویش قائم، قادر، مقتدر، و قیّوم یابی.)

تعلیم و تربیت جمیع اطفال

”اوّل تکلیف یاران الهی و اماء رحمانی آن است که (بای وجه کان) در تربیت و تعلیم اطفال از ذکور و اناث کوشند و دختران مانند پسرانند ابداً فرقی نیست جهل هر دو مذموم و نادانی هر دو نوع مبغوض. و هل یستوی الّذین یعلمون و الّذین لایعلمون.“

بنای تمدّن نوین جهانی

اوّلین شرکت کننده – فرد

وظیفهء هر فرد بهائی است که در عهد و میثاق الهی ثابت قدم باشد و روزانه نهایت کوشش را نماید تا زندگی خود را با تعالیم حضرت بهاءاللّه تطبیق دهد. در خدمت جامعهء انسانی بکوشد و همواره به یاد داشته باشد که زندگی انسان با مرگ پایان نمی پذیرد بلکه رابطهء انسان با آفریدگار ابدی است.

پس از مرگ روحمان آزاد میشود و پیشرفت خود را بسوی خدا تا الی الابد ادامه میدهد.

دوّمین شرکت کننده – جامعه

انسان برای تنها زیستن خلق نشده است.
ما در جامعه زندگی میکنیم و باید با یکدیگر همکاری کنیم تا مدنیّت جدیدی را بسازیم.

نزدیکترین جامعه به ما جامعهء محلّی است که متشکّل از بهائیان شهر و یا قریهء ما است.

در این جامعهء محلّی است که یاد می گیریم با یکدیگر همکاری کنیم، با یکدیگر پیشرفت کنیم و متحّد شویم.

سوّمین شرکت کننده - مؤسّسات

حضرت بهاءاللّه نظم اداری آئین بهائی را معرّفی نمودند و این به این معناست که فرموده اند چه نوع مؤسّساتی را باید تأسیس کنیم، چگونه باید این مؤسّسات کار کنند و چگونه جامعهء بشری باید اداره گردد.

در امر بهائی کشیش یا آخوند وجود ندارد و محفل روحانی محلّی است که امور جامعهء خود را اداره می نماید و مراقب سعادت و رفاه افراد و پیروان جامعه می باشد.

محفل روحانی محلّی نُه عضو دارد که در جوّ روحانی از طریق رأی مخفی توسّط افراد بالغ جامعه انتخاب میشوند.

”هواللّه ای خداوند مهربان این دل را از هر تعلّقی فارغ نما و این جان را به هر بشارتی شادمانی بخش از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به محبّت خویش گرفتار نما تا بکلّی شیدای تو گردم و دیوانهء تو، جز تو نخواهم و جز تو نجویم و بغیر از راه تو نپویم و بجز راز تو نگویم مانند مرغ سحر در دام تو گرفتار گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگریم و بگویم یا بهاءالابهی ع ع“